

مضامین صلح‌اندیشی در شاهنامه‌های مصور دوره تیموری و صفوی

چکیده

ادبیات هر سرزمینی تجلی باورها، ارزش‌ها و فرهنگ آن سرزمین است. مهم‌ترین و کامل‌ترین بازتاب فرهنگ کهن ایران را در شاهنامه فردوسی می‌توانیم ببینیم. شاهنامه یکی از بزرگ‌ترین آثار حماسی جهان و دربردارنده بخش بزرگی از فرهنگ ارزشمند ایرانی است. نگارنده با روش واکاوی اسناد و تحلیل محتوا دریافته است که فردوسی خردمند، اندیشمندانه کوشیده است که در ضمن بیان حماسی داستان‌های کهن از مفاهیم و مضامینی استفاده نماید که خواننده شاهنامه با تحلیل و در کنار هم قراردادن آن مفاهیم، خود به کشف حاکمیت نگاه صلح‌اندیشانه موجود در فرهنگ اصیل ایرانی دست پیدا کند. هدف این پژوهش، بیان مضامینی است که با حضورشان در شاهنامه به بالا رفتن بسامدی نگاه صلح‌اندیشی در این کتاب سترگ، کمک می‌کند. این کتاب برخلاف دیگر آثار حماسی جهان که جنگ‌محور است، دارای نگاه صلح‌گرایانه و دفاع‌محور می‌باشد. همچنین این کتاب می‌تواند به‌عنوان آیینی‌ای از اقتدار، عزت و آزادگی فرهنگ صلح‌اندیش ایرانیان را به دیگر ملت‌های جهان نشان دهد؛ از دیگر سو، با حجم بالای مفاهیم صلح‌مدارانه در شاهنامه به گسترش خوانش و درک بیشتر و بهتر فرهنگ ملی، به افتخارات و باورهای هویتی ایرانیان کمک کند.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی اهمیت کاربست بیان مضامین صلح‌اندیشی در شاهنامه.
۲. بررسی مضامین صلح‌اندیشی در شاهنامه دوره مصور تیموری و صفوی.

سؤالات پژوهش:

۱. اهمیت کاربست بیان مضامین صلح‌اندیشی در شاهنامه چیست؟
۲. مضامین صلح‌اندیشی در شاهنامه دوره مصور تیموری و صفوی چگونه منعکس شده است؟

کلیدواژه‌ها: شاهنامه، فردوسی، مضامین صلح‌اندیشی.

مقدمه

صلح در لغت به معنای آشتی و سازش (لغت‌نامه دهخدا) مصالحه و پیمانی که برحسب آن دعوایی را حل و فصل کنند (آژنگ، ۱۳۸۱: ۹۴) و دست‌کشیدن از جنگ با عقد قرارداد می‌باشد (عمید، ۱۳۸۸: ۸۸۷). در اصطلاح نیز پیمانی است که برای رفع نزاع و قطع خصومت و صلح بین مردم منعقد می‌شود (کاشف‌الغطاء، ۱۴۲۲). در واقع، رستم پهلوان و جنگاور بی‌همتاست که عمر طولانی خویش را در پیکارها صرف کرده است. ولی جنگ‌های او اکثراً عادلانه است، برای حفظ وطن و مردم بی‌گناه است. او بارها می‌خواهد که از جنگ و خون‌ریزی‌ها دست‌کشد، راه صلح و آسایش را پیش‌گیرد، ولی سرنوشت او را باز به‌سوی جنگ‌ها روانه می‌سازد.

شاهنامه فردوسی متنی حماسی است و در حماسه نیز اصلی‌ترین کردار، جنگ و وصف آن است. اما شاهنامه فردوسی فقط داستان جنگ‌ها و پیروزی‌ها نیست بلکه سرگذشته ملتی است در طول قرون و نمودار فرهنگ و اندیشه و آرمان‌های آن‌ها است. برتر از همه، کتابی است درخور حیثیت انسان یعنی مردمی را نشان می‌دهد که در راه آزادی شرافت و فضیلت تلاش و مبارزه کرده مردانگی‌ها کرده‌اند؛ اگر کامیاب شده یا شکست خورده‌اند، حتی با مرگشان آرزوی دادگری و مروت و آزادمنشی را نیرو بخشیده‌اند (یوسفی، ۱۳۷۱: ۴۴). صلح و صلح‌باوری از جمله مفاهیم کهنی هستند که همواره مورد توجه ایرانیان بوده است. اگر به تاریخ ایران باستان نگاهی داشته باشیم متوجه این مهم می‌شویم که در کشور ایران همواره آزادی و صلح‌باوری حاکم بوده است. در داستان فتح بابل به‌دست کوروش هنگامی که وی به معابد بابل دست پیدا کرد، برخلاف رسم سایر شهریاران که مراکز مذهبی را ویران می‌ساختند، احترام بسیاری برای معبد مردوک قائل شد (افراسیابی، ۱۳۸۷: ۶۸). فردوسی به‌درستی از این موضوع آگاه است که «همه ز آشتی، کام مردم رواست». از نظر فردوسی، جنگی که علیه بیداد باشد، حق است و گرنه او از جنگ ناحق که حاصلی جز ویرانی و کشتار ندارد، بیزار است. از این‌رو، رزمنده‌ترین شخصیت شاهنامه، رستم که در جنگ‌های بسیاری شرکت کرده است، صلح‌جو و طرفدار صلح و آشتی است (چرخچی، ۱۳۸۳: ۷۳۸).

از میان آثاری که در آن‌ها به موضوع صلح و جنگ در شاهنامه اشاره شده، می‌توان به این موارد اشاره کرد: «جنگ و صلح در شاهنامه فردوسی»، نوشته میرزا ملااحمد (۱۳۸۶) نویسنده و پژوهشگر تاجیک که پرداخت‌های مفید و مبسوطی به زوایای جنگ و صلح در شاهنامه داشته است؛ در واقع، از جمله محدود کارهای که در این زمینه انجام پذیرفته و به زوایای قابل‌تأملی از صلح و جنگ پرداخته است. بیگدلی (۱۳۸۶) در اثر خویش به‌نام «ایران‌شناسی، صلح، مدارا و همزیستی در اشعار حکیم ابوالقاسم فردوسی» به برخی از مضامین صلح‌گرایی در شاهنامه اشاراتی موجز داشته است. حمیدی (۱۳۷۳) در «تأملی بر خان چهارم، به سیمای صلح‌گرا و آرمانی رستم نظر داشته است. به نظر می‌رسد، محدود کارهایی که در مورد مفاهیم صلح در شاهنامه انجام شده است، بیشتر صلح موجود در این کتاب سترگ را به‌عنوان بخشی از واقعیت موجود در داستان‌هایی قلمداد شده‌اند که فردوسی به‌عنوان راوی فقط نقش راوی آنان را ایفا می‌کند و در این میان، صلح هم بخشی مجزا در کنار جنگ‌های نقل‌شده، مطرح می‌شود. نگارنده بر این باور است

که برخلاف نگاه موجود فوق، روح حاکم بر شاهنامه، بیان دیدگاه صلح‌اندیشی خود فردوسی است. اگر از قالب داستانی و بُعد روایی مطالب منقول کهن و ملی ایران، استفاده کرده و حتی جنگ‌های این قوم را به تصویر کشانیده، هدفش بیان نگاه صلح‌باوری و صلح‌اندیشی سراینده در جای‌جای کتاب است که با برنامه و هدفمند، به بیان دیدگاه صلح‌باور ایرانیان می‌پردازد و خردمندان از مضامین و مفاهیمی که آن‌ها نیز می‌توانند به‌طور غیرمستقیم به تولید نگاه صلح‌اندیشی فردوسی، بینجامد، هوشمندان بهره می‌گیرند.

نتیجه‌گیری

شاهنامه سند هویت فرهنگ ملی ما ایرانیان است. نگارنده با بررسی ابیات شاهنامه و دیگر اسناد به این نتیجه رسیده‌است که فردوسی هدفمند و با داشتن طرحی از پیش تعیین‌شده از ابتدا تا پایان این کتاب سترگ ضمن روایت داستان‌ها و افسانه‌های کهن قوم ایرانی، خردمندان کوشیده‌است، در ذهن خواننده اشعار خود، مردمان سرزمینش را در طی فراز و فرودهای تاریخی و آرمان‌های متعالی اسطوره‌ای، چه آن‌گونه که بوده و چه آن چیزی که آرزوی رسیدن به آن را داشته‌است، مردمانی صلح‌طلب به تصویر بکشد. فردوسی برای به تصویر کشیدن نگاه صلح‌اندیش ایرانیان، از مضامینی بهره جسته‌است که تحلیل و ارتباط آن را فردوسی بر دوش اندیشه و خرد خواننده اشعارش گذاشته تا او خود به طریق اندیشیدن ره به رمزها و حقایق اشعار برده و از لذت خواندن و درک آن، حظی حقیقی، حاصل نماید. با دقت بر مضامین صلح‌اندیشی که چند نمونه از آن در پژوهش فوق آورده شده‌است، می‌توان به منطبق صلح و دوستی حاکم بر شاهنامه، دست پیدا کرد. این مقاله نگاهی جدید را در نوع پژوهش‌های دیگر، در مورد پرداختن به صلح در شاهنامه، به‌وجود خواهد آورد و از دیگر سو، برچسب خشونت را از این کتاب خواهد سترد. با در نظر داشتن کثرت مضامین و مفاهیم صلح‌اندیشانه و به‌دنبال آن، بالارفتن بسامد مفهوم صلح در شاهنامه می‌توان با توجه به الگو قراردادن منطبق صلح‌گرای فردوسی، اعتماد جهانیان را برای خوانش بیشتر این اثر بزرگ، جلب کرد تا بیش از گذشته، نسبت به فرهنگ گفتمانی صلح‌اندیش ایرانیان علاقمندی و در نهایت، شناخت پیدا کند.

فهرست منابع و مآخذ:

احمدی توانا، اکرم؛ الماسی، فتانه. (۱۴۰۱). «مسئله جانشینی در شاهنامه‌های مصور سه شاهزاده تیموری (شاهنامه بایسنقری، ابراهیم سلطان و محمد جودکی)». دوره ۱۲، شماره ۲۴، ۴۷-۶۱.

بیگدلی، محمدرضا. (۱۳۸۶). «ایران‌شناسی: صلح، مدارا و همزیستی در اشعار حکیم ابوالقاسم فردوسی»، حافظ، ش ۴۸، ۳۰.

اسلامی ندوشن، محمدعلی. (۱۳۸۱). ایران و جهان از نگاه شاهنامه. تهران: انتشارات امیرکبیر.

بو تول، گاستون. (۱۳۷۱). جامعه‌شناسی صلح. ترجمه: هوشنگ فرخجسته، تهران: شیفته.

بهار، مهرداد. (۱۳۸۷). پژوهشی در اساطیر ایران (پاره نخست و پاره دوم) ویراسته یکتایون مزداپور، چاپ هفتم، تهران: آگه.

ریر، دون بیتی. (۱۳۸۰). شکیبایی سرآغاز صلح. ترجمه: علی اکبر مرعشی، حسین موسویان، تهران: مرکز منابع تربیت معلم.

رجبی نیازآبادی، الهام؛ فرخ پور، فرزانه و اکبری مفاخر، آرش. (۱۳۹۸). «پیوند و گسست متن و نگاره در شاهنامه بایسنقری». جستارهای نوین ادبی، دوره ۵۲، شماره ۱ (۲۰۴)، ۹۵-۱۲۵.

حمیدی، بهمن. (۱۳۷۳). تأملی بر خان چهارم». چیستا، اردیبهشت و خرداد، ش ۱۰۸ و ۱۰۹، ۶۹۵-۶۸۸.

خالقی مطلق، جلال. (۱۳۷۲). گل رنج‌های کهن. به کوشش علی دهباشی، تهران: نشر مرکز.

شیخ برادران، معصومه. (۱۳۸۰). به سوی آبی دل‌ها. تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران مرکزی.

صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۸۷). حماسه‌سرایی در ایران از قدیم‌ترین عهد تاریخی تا قرن چهاردهم هجری. چاپ چهارم، تهران: فردوسی.

فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۷۹). شاهنامه. به کوشش دکتر حمید سعیدیان (۹ جلد) براساس چاپ مسکو، چاپ پنجم، تهران: نشر قطره.

فردوسی، شاهنامه. (۱۳۸۶). تصحیح جلال خالقی مطلق. (۸ جلد)، تهران: انتشارات دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.

کزازی، میرجلال‌الدین. (۱۳۸۰). روایا، حماسه، اسطوره. تهران: نشر مرکز.

محمدزاده، مهدی؛ عادل، ظاهر. (۱۳۹۴). «تأثیر شاهنامه طهماسبی در سنت شاهنامه‌نگاری عثمانی». نگره، ۷. دوره ۱۰، شماره ۳۴، ۲-۳۷.

یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۶۹). فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی سروش.